

آداب اختلاف رفتاری در احترام متقابل بین مذاهب اسلامی در سیره اهل بیت علیه السلام

سیده شقایق حسینی^۱

چکیده

در عصر حاضر با توجه به تحولات عظیم منطقه ای که در راستای برقراری انحای تعاملات و رفتار بین مذاهب اسلامی روی داده است شناخت آداب و رفتار اخلاقی پیامبر به عنوان الگو واسوه جهان و جهانیان از ضروریات است، باز نگری آداب و رفتار پیامبر (صلی الله علیه واله) و اهل بیت (علیه السلام) و تطبیق آن در بین علمای اسلامی موجب وحدت و انسجام جامعه جهانی می گردد.

نمونه هایی از عملکرد اهل بیت و علمای اسلامی را با توجه به زمان مکان و شیوه های کارکردشان بیان گردیده بیان مصادیق و الگوهای رفتاری پیامبر و اهل بیت علیه السلام و علمای اسلام با توجه به شرایط و مقتضیات زمان و مکان در مقاله حاضر تبیین شده است

تبیین و تفسیر منش و رفتار معصومین در راستای سنت الهی مورد توجه بوده است و برای اتحاد بین مذاهب و جامعه اسلامی می باشد تا الگوی سازنده برا جامعه اجتماعی دینی ما باشد. مقاله علمی حاضر با تبیین مفهوم شناسی و بیان آداب رفتاری پیامبر آغاز شده و شیوه های علمای اسلام هم پرداخته و موارد اختلافی هم بیان شده؛ و به شیوه کتابخانه ای_ توصیفی تحقیق شده است.

واژگان کلیدی: آداب اختلاف، سیره پیامبر، اهل بیت، اصحاب پیامبر.

۱. سمنان مدرسه عالی تخصصی فاطمه زهرا سطح ۲ حوزه.

مقدمه

خداوند متعال رسول گرامی اسلام را رحمتی فراگیر و عام معرفی کرده است به گونه ای که رحمت او شامل همه انسان ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان می شود: وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

همچنین خداوند متعال در بیان شدت مهربانی و شفقت فقط پیامبر خطاب به انسان ها فرموده است: «لَعَلَّكَ بَخِيعَ نَفْسِكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»؛ گویی می خواهی جان خود را از شدت اندوه از دست بدهی به خاطر این که آن ها ایمان نمی آورند.

سیره پیامبر گرامی (صلی الله علیه و اله) در برخورد با مذاهب و فرق اسلامی به گونه ای است که خواستار شرایطی می باشد که ملت ها بتوانند در انتخاب مکتب و جهان بینی خاص خود تصمیم بگیرند و با تبیین حق، آزادانه عقیده، توحیدی را بپذیرد لازمه این سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و اله) آن است که با قدرت های سلب کننده آزادی ملت ها که مانع گرایش به آیین توحیدی می شود مبارزه کنند به گونه ای که پیامبر (صلی الله علیه و اله) وقتی نمایندگان جامعه نصاری نجران را پذیرفت.

اعتقاد ایشان به الوهیت مسیح را مورد سرزنش قرار داد و آنان را به قبول دین اسلام فراخواند. ولیکن هیچ اجباری در عدم پذیرش اسلام وجود نداشت و به آنان اجازه داد برای عبادت به آیین خویش از مسجد مدینه استفاده کنند لذا الگوی عملی پیامبر (صلی الله علیه و اله) توأم با مسامحه و مسالمت آمیز با مخالفان موجب شد که افراد گروه و هیئت های مذهبی فراوان به مدینه آزادانه مهاجرت کنند.

یکی از مهم ترین رفتار اهل بیت (صلی الله علیه و اله) الگوگیری ایشان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) می باشد. به گونه ای که امام صادق علیه السلام می فرماید دوست ندارم مسلمانی بمیرد مگر این که تمام آداب و سنت های رسول خدا را اگر چه یکبار انجام دهد.

در ادامه تأسی و الگوگیری پیامبر (صلی الله علیه و اله) و اهل بیت (علیه السلام) علمای اسلام قرار گرفته شده اند. به گونه ای که همه این بزرگواران بهترین شیوه های تربیتی را فراوی پیروان خود قرار داده اند و زندگی متعالی آنان می تواند به عنوان موفق ترین الگوهای تربیتی مطرح گردد.

پیامبر (صلی الله علیه و اله) براساس استدلال و برهان و تعقل با مردم برخورد می کرد. و این خود عامل بسیار بزرگی برای جذب مردم به سوی اسلام بود تنها چیزی که در پیامبر (صلی الله علیه و اله) نمی بینیم خشونت و برخورد با شمشیر است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) خود معرفت را سرمایه اصلی خویش معرفی می کرد و خداوند متعال مسیری رو به کمال را برای فزونی معرفت پیامبر (صلی الله علیه و اله) ترسیم کرده بود.

با توجه به اهمیت و ضرورت وحدت اسلامی موضوع مقاله علمی بعد از بیان مفهوم شناسی و مبادی مطالب، تاریخچه پیدایش مذاهب اسلامی هم مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه ضمن تبیین ضرورت برخورد پیامبر و اهل بیت علیه السلام با ادیان الهی ذکر مصادیق الگوهای رفتاری پیامبر (صلی الله علیه و اله) و اهل بیت (علیه السلام) در پایان سیره علمای اسلام با مذاهب دیگر مورد توجه قرار گرفت و نمونه هایی از آن ها به طوری که رفتار آن ها متاسی از سیره نبوی است بیان شد روش جمع اوری مطالب توصیفی و تحلیلی به صورت کتابخانه ای انجام شد.

در عصر حاضر با توجه به تحولات عظیم منطقه ای که در راستای برقراری انحای تعاملات و رفتار بین مذاهب اسلامی روی داده است شناخت اداب و رفتار اخلاقی پیامبر به عنوان الگو واسوه جهان و جهانیان از ضروریات است. باز نگری اداب و رفتار پیامبر (صلی الله علیه واله) و اهل بیت (علیه السلام) و تطبیق آن در بین علمای اسلامی موجب وحدت و انسجام جامعه جهانی می گردد.

نمونه هایی از عملکرد اهل بیت و علمای اسلامی را با توجه به زمان مکان و شیوه های کارکردشان بیان گردیده است . تبیین و تفسیر منش و رفتار معصومین در راستای سنت الهی مورد توجه بوده است و برای اتحاد بین مذاهب و جامعه اسلامی می باشد تا الگو سازنده برا جامعه اجتماعی دینی ما باشد. مقاله علمی حاضر با تبیین مفهوم شناسی و بیان آداب رفتاری پیامبر آغاز شده و شیوه های علمای اسلام هم پرداخته و موارد اختلافی هم بیان شده؛ به شیوه کتابخانه ای_ توصیفی تحقیق شده است.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- معنای لغوی و اصطلاحی آداب

آداب در لغت: در لغت جمع ادب (به فتح همزه و باء) به معنای شگفت، عجب^۱ دانش، معرفت و روش پسندیده است.^۲

آداب در اصطلاح: باید دانست که به لحاظ اصطلاحی ادب در طی قرون به دو معنای عمده ادبیات (علوم ادبی) و ادب دینی (اخلاقیات) به کار رفته است.^۳ ولی مقصود از آن در این بحث، ادب دینی می‌باشد؛ «حفظ حدّ و اندازه هر چیزی و تجاوز ننمودن از آن را ادب گویند»^۴.

آداب: تشریفات، رسم، رسوم، سنت، سنن، شعایر، عادات، قواعد، مراسم، مناسک. آداب به سه معنی است: ۱- رفتارها و گفتارهای شایسته؛ ۲- تأدیب و تنبیه؛ ۳- علوم ادبی.^۵ آداب در ابواب متعدد در همان معنای لغوی استعمال شده است، لیکن با توجه به تعدّد معنای لغوی، در بیشتر کتاب‌ها و ابواب فقهی، عنوانی برای بیان آداب آن قرار داده شده است؛ مانند: آداب نماز، روزه، حج، جهاد، اعتکاف، دعا، معنای لغوی و اصطلاحی احترامتجارت، قضاء، ازدواج، معاشرت، خوابیدن، سفر، زیارت، احتضار، تکفین، دفن، و دیگر عناوینی که به فعل مکلف تعلّق گرفته است و در مدخل مربوط از آن‌ها بحث خواهد شد.^۶

۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی اختلاف

اختلاف: افتراق، تباین، تضاد، تفارق، تفاوت، تمایز، توفیر، فرق، مغایرت، تشّت، دعوا، ضدیت، کشمکش، مخالفت، مشاجره، نزاع، نفاق اختلاف ضد اتفاق است.^۷ فرق اختلاف و خلاف این است که اختلاف در مورد سخنی بکار میرود که مبنی بر دلیل است اما خلاف در جائی بکار می‌رود که نیازی به دلیل ندارد.^۸

۳-۱- معنای لغوی و اصطلاحی احترام

احترام در لغت: احترام، مصدر باب افتعال از ریشه «ح ر م» و به معنای حرمت نگه داشتن است. حرمت نیز به معنای آنچه که هتک و شکستن آن روا نباشد، آمده است.^۹

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۵۵۷.

۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۱۰۱، ۱۰۲.

۳. موسوی بجنوردی دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۲۹۶.

۴. الادب الدینیة للخرانة المعینیة، شیخ طبرسی، ص ۱۹۹.

۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۱۱.

۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، ص ۴۷.

۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۲۱.

۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۱، ص ۲۱۱.

۹. لغت نامه، مفج، ص ۸۹۸.

احترام در اصطلاح: عرف به معنای تعظیم، گرامی داشت و بزرگداشت، بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛ زیرا شخص، شیء، مکان یا زمان محترم، دارای حرمت و حریمی است که حفظ آن لازم و هتک آن نارواست.^۱

۴-۱- مذاهب اسلامی

مرکب از دو کلمه مذاهب و اسلام

مذاهب: مذهب‌ها، ادیان، آیینها، شرایع، نحله‌ها، طریقت‌ها، کیش‌ها، روش‌ها، طریقه‌ها... (اسم) جمع مذهب ۱- طریقه‌ها روش‌ها؛ ۲- شعبه‌های دینی: در آنجا از اغلب مذاهب مردم بودند؛ ۳- دین‌ها ادیان.^۲

۵-۱- معنای لغوی و اصطلاحی اسلام

اسلام در لغت: به معنای انقیاد و تسلیم شدن است شخص فرمانبردار و مطیع رادر لغت مسلم یا مسلمان می‌گویند.^۳

اسلام در اصطلاح:

در اصطلاح عبارت است از گفتن شهادتین بازبان است «لا اله الا الله محمد رسول الله» که اولین مرتبه اسلام است که شیعه و سنی در آن اتفاق دارند.^۴

۶-۱- معنای لغوی و اصطلاحی سیره

سیره در زبان عربی از ماده «سیر» است، سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. همچنین نوع راه رفتن. سیره بر وزن «فعله» است و در زبان عربی، دلالت بر نوع می‌کند.^۵ ابن منظور نیز گوید: سیره از کلمه «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه سیره به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیأت می‌باشد.^۶

سیره در اصطلاح به آن بخش از رفتار و روش عملی هر شخص گفته می‌شود که از حالت وحدت و یکبار یا چند بار محدود انجام گرفتن بیرون آمده باشد و به مرحله تکرار و مداومت رسیده باشد، و به صورت یک سبک و متد درآمده باشد.

سیره در روایات با آنچه در اصطلاح یاد شده سازگاری و هماهنگی دارد. در مجموع می‌توان سه معنی برای سیره در اصطلاح یاد کرد که با آنچه که در روایات آمده سازگاری دارند یا دست کم در احادیث و کتب لغت به این معانی نیز اشاره شده است.^۷

۱. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۷۷.

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، ص ۲۱.

۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۲، ص ۸۷.

۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۲، ص ۴۷.

۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۲۱۴.

۶. ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۳۹۹.

۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، ص ۸۷.

دور از هر طایفه و قومی برادر ایمانی یکدیگر باشند و با محبت و صلح و دوستی در کنار یکدیگر زندگی کنند. و خداوند در قرآن کریم می فرماید :

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ»^۱

«از میان خودتان فرستاده‌ای نزد شما آمده که برای او سخت است که گمراه باشید و رأفت و رحمت او

تمام مؤمنان را در برمی‌گیرد.»

ولذا پیامبر (صلی الله علیه و آله) چنانکه در سراسر عمر با برکت خود عمل کردند سفارش به احترام به یکدیگر و حفظ آبروی مسلمان و خوش بینی نسبت به یکدیگر و پرهیز از تهمت و غیبت و سخن چینی و . . . می کردند که منجر به تحکیم اخوت و برادری و محبت و مودت میان مسلمانان می شد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بدانید که مثال اهل بیت من همچون کشتی نوح است که هرکس بر آن سوار شد نجات یافت و هرکس روی گرداند هلاک گشت.^۲

شیعه اهل بیت و دوستدار ائمه اطهار همانگونه که به لحاظ فکری و اعتقادی پیرو آنان است در رفتار و کردار و گفتار باید به سخنان و دستورهای حیات بخش معصومین عمل کنند و هیچ گاه از راه حق و هدایت خارج نشود.

۴- آداب و اخلاق رفتاری اهل بیت علیه السلام

از مبانی عمومی برخورد ائمه اطهار با مسلمانان غیر شیعه و یا مذاهب اسلامی دیگر می توان به مواردی همچون: ۱- مسلمان دانستن گوینده شهادتین؛ ۲- به رسمیت شناختن حق زندگانی پیروان مذاهب اسلامی؛ ۳- احترام به مقدسات مذاهب اسلامی؛ ۴- تلاش برای وحدت و انسجام اسلامی و پرهیز از عملکرد تفرقه ای و... اشاره کرد.

و اما آنچه برای ما در این بحث قابل توجه و حایز اهمیت است نحوه عملکرد ائمه با مذاهب اسلامی دیگر با توجه به زمان و مکان و شرایط متفاوتی که هر کدام از معصومین در آن زیست می کردند می باشد. به عنوان نمونه ما در زندگانی حضرت امیرالمومنین علی بن ابی طالب می بینیم که ایشان پس از جریان سقیفه مهم ترین دلیلی که آن حضرت علیه السلام را از اقدام نظامی علیه مسلمانان مخالف باز می داشت حفظ وحدت اسلامی بود. همانطور که شخص حضرت می فرمایند: در اندیشه بودم که آیا دست تنها، برای گرفتن حق خود به پا خیزم؟ یا در این محیط خفقان زا و تاریکی که به وجود آوردن. صبر پیشه سازم؟ که پیروان را فرسوده، جوانان را پیر و مردان را ایمان را تا قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می دارد. پس از ارزیابی درست، صبر و بردباری را خرمندانه تر دیدم. پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلو من مانده بود من دیدم که میراثم به غارت رفته.^۳

بله امام علی پس از شهادت پیامبر اکرم و جریان سقیفه برای حفظ مصلحت عمومی امت نه تنها سکوت نکردند بلکه در مواقع ضروری مخالفان خویش را یاری می کردند.

۱. توبه: ۱۲۸.

۲. طبرسی، احتجاج، بی جا: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۲، ص ۳۸۰.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۳.

جریان دیگر از نحوه رفتار ائمه با مذاهب دیگر ماجرای صلح امام حسن با معاویه است که آن حضرت در سال ۴۱ هجری قمری با معاویه صلح نامه ای منعقد کرد که ایشان با سنجش دقیق شرایط و اوضاع، معقولانه ترین راهکار را دربرخورد با معاویه انتخاب کردند و صلح کردند و به تکلیف الهی خویش عمل نمودند. تا از این طریق اصل دین اسلام و مسلمانان را حفظ نمایند.

همچنین ما می دانیم که اباعبدالله با نوعی برخورد دیگر در پی حفظ اسلام و امت اسلامی بودند ایشان بر خلاف نحوه عملکرد و برخورد برادر خویش علیه مخالفان، مذهب دیگر قیام نمودند. و با بیعت نکردن با یزید بن معاویه و شهادت یاران و خود امام و اسارات خاندان بزرگوارشان به اهداف اسلامی خود رسیدند.^۱ با مطالعه و بازنگری زندگانی هریک از ائمه به خوبی می توان به این نتیجه رسید که هریک از معصومین از خود شخص پیامبر تا آخرین فرزندشان در شرایط و بسترهای متفاوتی که قرار می گرفتند با تسامح و تساهل و بهترین نحوه برخورد حول هر موضوع سیاسی و اقتصادی به ویژه عقیدتی داشتند و به مسئله اخلاق که یکی از شاخه های آن برخورد شخص ائمه با دیگر مذاهب می باشد توجه می کردند با مقایسه هریک از برخورد ها می توان به این نتیجه رسید که گاهی سکوت و گاهی قیامی علنی برای حفظ هدفی والا و مشترک موثر است.^۲

نتیجه گیری

در طول حیات پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) اختلاف عقیده در میان مسلمانان وجود نداشت اما با درگذشت پیامبر (صلی الله علیه واله) از همان روز بین مسلمان ها بر سر موضوع جانشینی و مسئله امامت اختلاف عمیقی به وجود آمد که موجب دو شاخه شدن امت اسلامی و پیدایش دو مذهب شیعه و اهل سنت شد.

پیامبر اکرم در زمان زندگانی خود آداب رفتاری داشتند که مانع از بروز اختلاف ها و درگیری ها می شد که این الگوی رفتاری را نیز ائمه معصومین (علیه السلام) نسبت به مذاهب داشتن و آنچه برای پیامبر و معصومین حائز اهمیت بود حفظ اصل اساسی اسلام و انسجام و وحدت امت اسلامی بود لذا با احترام به دیگران، گفتگوی منطقی و به دور از تحمیل عقیده، تساهل و تسامح، زندگی مسالمت آمیز، و نادیده گرفتن آن بخش از خطاها و رفتارهایی که مربوط به خودشان بود.

علاوه بر این موارد در این مقاله به نحوه برخورد پیامبر (صلی الله علیه واله) و ائمه (علیه السلام) با مذاهب اسلامی و نحوه برخورد ایشان با ادیان یهود و مسیحیت و رفتار علمای اسلامی که از سیره نبوی و ائمه معصومین (علیه السلام) گرفته شده است با مذاهب اسلامی و ادیان الهی. چنانکه گذشت پیامبر (صلی الله علیه واله) در برخورد با پیروان ادیان دیگر نیز با عفو و اغماض رفتار می کردند مانند رفتار ایشان با آن زن یهودی که قصد مسموم کردن ایشان را داشت ولی پیامبر (صلی الله علیه واله) چشم پوشی کردن این ماجرا را و گذشت و ملاطفت ایشان منحصر به مسلمانان نبود.

۱. مطهری، مرتضی، داستان راستان، ص ۵۴.

۲. محمد حمید الله، مجموعه الوثائق، ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی، ص ۲۱.

وَأَمَّمَهُ مَعْصُومِينَ (عليه السلام) راه و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله) را دنبال می کردند چنانکه امیرالمومنین (عليه السلام) برای حفظ اسلام و انسجام میان مسلمانان در برابر غصبی که صورت گرفت سکوت اختیار کردند و یا صلح امام حسن (عليه السلام) نیز با این هدف صورت گرفت. علمای اسلام هم در برخورد با مذاهب با حفظ احترام و تحمیل نکردن نظرات گفتگو و جدال احسن می کنند و نسبت به ادیان الهی دیگر نیز با اصرار بر مشترکات به دنبال زندگی مسالمت آمیز و دعوت به سمت حق هستند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مدت کوتاه رسالت شان تمام سعی خود را کردند تا در کمال صلح و آرامش و همزیستی مسالمت آمیز مردم را به سمت حقایق و احکام الهی و شیوه درست زندگی هدایت کند.

از اختلافها و درگیریها جلوگیری می کردند و معصومین نیز این شیوه آداب رفتار در اختلاف را ادامه دادند. هرچند با توجه به زمان زندگانی معصومین نحوه برخورد ایشان متفاوت بود اما در نهایت به دنبال ایجاد وحدت در میان امت اسلامی و حفظ اصل اسلام بودند.

منابع

*قرآن کریم

۱. ابن منظور ، محمد ابن مکرم ، لسان العرب ، بیروت ، دارالفکر، تحقیق : صفوان عدنان داودی ، چاپ سوم ، ۱۴۱۴ ه.ق.
۲. ابن هشام، سیرت رسول الله، ترجمه و انشای رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، قاضی ابرقوه، با تصحیح اصغر مهدوی، تهران: خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۶۱ ه.ش.
۳. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، بیروت، دارالعرفه. (۱۳۷۵)
۴. ابی جعفر محمد بن الجریر الطبری، تاریخ الطبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، (بیروت: روائع التراث العربی، بی تا)، ج ۳، ص ۵۶ .
۵. الأحمدي، علی، مکاتیب الرسول (ص)، تهران: یس، ۱۳۶۳ ه.ش.
۶. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، به کوشش دکتر ابوالقاسم گرجی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۹ ه.ش
۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تصحیح و تنظیم عبدالرسول پیمانی و محمد امین شریعتی، اصفهان، خاتم الانبیاء، ۱۳۸۳ ه.ش.

۸. ثقفی، سیدمحمد، ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی در مدینه، (قم: هجرت، ۱۳۷۶).
۹. جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام تا سال چهلّم، قم: در راه حق، ۱۳۸۷.ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت و دارالعلم للملایین، چاپ ۱۹۹۰، ۴م.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسین، وسائل الشیعه فی تحصیل المسائل الشریعه، ۳۰ جلدی قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، لاحیاء التراث ۱۴۱۴.ق.
۱۲. حسینی، سید مجتبی، تاریخچه سیاسی اقتصادی صدر اسلام، تهران (چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.ش).
۱۳. دکتر ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: جاویدان، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.ش.
۱۴. دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۷۲)، ج ۱، ص ۳۶.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.ش.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق، چاپ اول.
۱۷. سبحانی، جعفر، تاریخ اسلام، قم: لوح محفوظ و امام عصر (ع)، ۱۳۷۷.ش.
۱۸. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.ش.
۱۹. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، مکاتیب الرسول (ص)، ۱۳۷۸.ش.
۲۰. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم: توحید، ۱۳۷۵.ه.
۲۱. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، مبین، ۱۳۷۴.ش.
۲۲. شلبی، دکتر احمد، مقارنه الادیان، الاسلام، قاهره: مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۸۹ الطبعة الثامنة.
۲۳. طبرسی، محمد بن حسن، احتجاج، بی جا: نشر مرتضی، ۱۴۰۳.ق.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، جلد یک، ۱۳۸۷.ش.
۲۵. عمید زنجانی، عباسعلی، اسلام و همزیستی مسالمت آمیز، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۴.ش.
۲۶. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم. ۱۳۷۳.ش.

۲۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ ه.ش.
۲۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۰ ه.ق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب اسلامی، زمستان ۱۳۶۵ ه.ش.
۳۰. مارسل بوازار، انسان دوستی در اسلام، ترجمه دکتر محمد حسن مهدوی اردبیلی و دکتر غلامحسین یوسفی، تهران: طوس، ۱۳۶۲ ه.ش.
۳۱. مجلس، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه.ق.
۳۲. محمد حمید الله، مجموعه الوثائق، ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی، ۱۳۷۸ ه.ش.
۳۳. محمدبن سعد، الطبقات الکبری، بیروت: دار صادر و دار بیروت، ۱۹۵۷ م.
۳۴. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ه.ش.
۳۵. مطهری، مرتضی، داستان راستان، تهران و قم: صدرا، چاپ نهم، ۱۳۶۶ ه.ش.
۳۶. معادیخواه، عبدالمجید، تاریخ اسلام، عرصه دگر اندیشی و گفتگو، صص ۶۰۳-۵۹۸.
۳۷. موسوی بجنوردی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷.
۳۸. موسوی، محمد حسین، نهج البلاغه، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیر المومنین، ۱۳۶۵ ه.ش.
۳۹. ناصرمکارم شیرازی و دیگران، پیام قرآن، قم: مدرسه امام علی (ع)، ۱۳۷۴ ه.ش.
۴۰. نجفی، موسی، تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷ ه.ش.
۴۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت- لبنان، مؤسسه آل البيت علیه السلام، لا حياء التراث، چاپ اول، جلد دوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
۴۲. سایت راسخون www.rasekhoon.net